

چگونگی شکل‌گیری آموزش و پرورش نوین در خوزستان

● محمد امیری*

اشاره

آموزش یکی از مفاهیم کهن در زندگی بشر بوده است. زمانی به صورت گفت‌وگو و تجربی و طبقه‌بندی‌شده انجام می‌شد. خوزستان که به گواه باستان‌شناسان و مورخان یکی از کهن‌ترین تمدن‌ها را در خود جای داده است، به یقین صاحب کرسی آموزشی نیز بوده است، چرا که تمدن بدون آموزش به دست نمی‌آید؛ اما عمر آموزش و پرورش نوین در ایران و به پیروی از آن در خوزستان، چندان طولانی نیست. به همین دلیل، نگارنده برای اولین بار سیر شکل‌گیری مدارس نوین در خوزستان را بررسی و پژوهشی را تدوین کرده است. روش پژوهش، ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی است که با استفاده از اسناد و عکس‌ها کامل شده است.

این نوشتار می‌تواند خوانندگان و علاقه‌مندان به حوزه آموزش و پرورش خوزستان را با کوشش‌های بنیان‌گذاران این تشکیلات و نیز موانعی که در مسیر پیشرفت این امر نو و تأثیرگذار بوده‌اند آشنا کند تا از این رهگذر به پیشرفت هرچه بیشتر این نهاد ارزشمند کمک شود.

□ مقدمه:

در تعریفی شناخته‌شده از آموزش و پرورش یا به تعبیری نظام یاددهی‌یادگیری، مفهوم تغییر رفتار دانش‌آموزان مدنظر قرار گرفته است. البته تغییر رفتار در درازمدت به تغییر هویت نیز منجر خواهد شد. در خوزستان، به‌عنوان بخشی از پیکره ایران، در همیشه تاریخ، آموزش از اهمیتی بسزا برخوردار بوده است. در دوره معاصر با ورود اندیشه‌های نو به ایران و تأسیس مدرسه‌های جدید و استقبال مردم از این تشکیلات، در خوزستان نیز مدرسه‌هایی چند به هزینه افراد علاقه‌مند تأسیس شدند. هرچند در این استان نیز مانند جاهای دیگر مخالفان و معارضان جدی و پیگیری بودند و می‌خواستند جلوی گسترش این نظام نوپا را

E-mail: ma53853@gmail.com

* مدرس و پژوهشگر تاریخ

بگیرند، اما به مصداق «آنچه از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند»، این شیوه‌ها و محتواهای درسی به دل مخاطبان نشستند و هیچ مخالفتی نتوانست مانع گسترش آنها شود. در خصوص این موضوع، به لحاظ پیشینه تحقیق، تاکنون پژوهش مستقل و جامعی صورت نگرفته بود و در اینجا سعی شده است با استفاده از شیوه تحقیق ترکیبی (کتابخانه‌ای و میدانی) با نگاهی نو به این تحولات نگریسته شود.

□ راه‌اندازی اولین مدارس در خوزستان

با توجه به اینکه در سال‌های منتهی به انقراض قاجار، نهضت مشروطه در ایران شکل گرفته و آموزش نوین نیز مورد حمایت قرار گرفته بود، در خوزستان نیز مدارس چند افتتاح شدند. سالنامه فرهنگ خوزستان در سال تحصیلی ۲۲-۱۳۲۱ می‌نویسد: «در اوایل مشروطه که زبان و قلم آزاد شد و روزنامه‌ها ... در خصوص آزادی ... و لزوم انقلاب فرهنگی فعال بودند، در خوزستان نیز گام‌هایی فرهنگی برداشته شد. در زمان حکومت نظام‌السلطنه مافی، در شوشتر، مرکز حکومت خوزستان، مدرسه محمدیه تأسیس و شخصی به نام آقا محمدباقر از مدرسه سعادت بوشهر برای اداره آن دعوت شد. این مدرسه، به دلایل متعدد، پس از برکناری نظام‌السلطنه تعطیل شد. در زمان کارگزاری اعتلاءالدوله و استقرار ایشان در خرمشهر، به خواهش جمعی از علاقه‌مندان به آموزش نوین و با همکاری حاج رئیس‌التجار، از نزدیکان شیخ خزعل، در سال ۱۳۲۷ قمری یک باب مدرسه به نام خزعلیه در خرمشهر راه‌اندازی شد.

اعتلاءالدوله از طریق برخی افراد آشنا به کار آموزش، فرد مناسبی را برای اداره مدرسه خزعلیه از انجمن سعادت بوشهر درخواست کرد. انجمن سعادت بوشهر پس از مشورت و رایزنی، میرزا حاج آقا مؤدب کازرونی را که بعدها به خسرو مؤدب تغییر نام یافت، انتخاب و برای تأسیس و مدیریت مدرسه خزعلیه به خرمشهر فرستاد. هم‌زمان با حرکت میرزا حاج آقا، از اهواز نیز تلگرافی به انجمن سعادت بوشهر رسید و یک مدیر برای مدرسه‌ای در اهواز نیز درخواست شد. در نتیجه، انجمن، احمد مؤدب، برادر خسرو مؤدب، را به سرپرستی اهواز معین کرد. این دو برادر در ۱۲۸۷ شمسی از بوشهر حرکت و در خرمشهر به کارگزاری وارد شدند. چند روز بعد، مدرسه تأسیس شد و عده‌ای از فرزندان تجار و اعیان را امتحان کردند و هر کدام را به کلاسی که شایسته بود پذیرفتند.

در این موقع، بعضی از افراد نسبت به رونق مدارس جدید حساس شده و اشکال‌تراشی می‌کردند و مردم را از سپردن فرزندان‌شان به دبستان بازمی‌داشتند. اوضاع سیاسی، اجتماعی و نفوذ شیخ خزعل در خرمشهر نیز مانع رشد افکار آزادی‌خواهی یا انتشار روزنامه‌های منتقد بود. بدیهی است، با این وضع و ضدیتی که از طرف آنها نشان داده می‌شد، اداره کردن دبستان و آشناساختن دانش‌آموزان با مسائلی مانند حرکت زمین و علت بروز و ظهور

خسرو مؤدب
(مدیر مدرسه)،
هم از علوم دینی
مطلع بود و هم
به تعلیم و تربیت
با وضع جدید
آشنایی داشت
به‌زودی توانست
نظر حجت‌الاسلام
شیخ علی بهبهانی
را که از مجتهدان
مبارز بود جلب کند

رعدوبرق و عوامل طبیعی دیگر خیلی سخت و دشوار و بلکه خطرناک بود. ولی مدیر مدرسه، آقای خسرو مؤدب، خوشبختانه هم از علوم دینی مطلع بود و هم به تعلیم و تربیت با وضع جدید آشنایی داشت. لذا به‌زودی توانست نظر حجت‌الاسلام آقای شیخ علی بهبهانی را که از مجتهدان مبارز و طرفدار مشروطه بود جلب کند و معلمان پاک‌دامن برای مدرسه خود انتخاب کرد و شیخ محمدحسن مؤدب، برادر دیگر خود را، که از وعاظ و ناطقان زبردست و دانا بود و در انواع خط از نستعلیق و نسخ و شکسته کمالی داشت، برای نظامت (معاونت) مدرسه و آموزگاری خط برگزید و با نمایش‌ها و امتحان‌های پی‌درپی که در مدرسه و مکان‌های دیگر با حضور تجار و اعیان در محضر علما ترتیب می‌داد، مردم را به پیشرفت اطفال خود از راه آموزش و پرورش متوجه ساخت، تا کم‌کم به تعداد شاگردان افزوده شد و مردم به فرستادن اطفال خود به دبستان جدید اقبال کردند» (سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۳۱-۲۲: ۱۶-۱۸).

سیدحسن محسنی که گویا خود از تحصیل‌کرده‌های خوزستان بوده است، در مقاله‌ای ذکر می‌کند: «... آن زمان که از مدرسه در خوزستان خبری نبود، سه تن از نیکوکاران شوشتر، آقایان حاج محمدطاهر امین‌التجار و حاج سیدنصرالله صدیق‌التجار و آقای سید احمد امام (پایدار) با همت خویش و جمع‌آوری اعانات از مردم خیر شوشتر، اولین دبستان غیردولتی به سبک جدید را به تاریخ ۱۲۹۴ شمسی در این شهر بنا نهادند» (محسنی، ۱۳۸۱: ۴۴).

دومین شهری که تقریباً هم‌زمان با شوشتر به تأسیس مدرسه نوین اقدام کرد، دزفول بود. در سال ۱۲۹۶ اولین مدرسه ملی در دزفول افتتاح و تأسیس شد و چون قسمتی از مخارج مدرسه را آقای سیدعبدالحسین قطب به‌عهده گرفته بود، آقایان هیئت مؤسس (شیخ علی عماد، عباس آصف، سید عبدالمحمد فخرایی) مدرسه را حسینی نام‌گذاری کردند. پس از چندماه، مدرسه دیگری به نام محمودیه، به مدیریت آقای کمال‌الدین مجلسی افتتاح شد. وضع فرهنگ دزفول به همین منوال گذشت تا آنکه پس از تسلط دولت مرکزی در خوزستان (۱۳۰۳ ه.ش)، دبستان حسینی به نام پهلوی خوانده شد و بودجه آن از درآمد گمرک تأمین شد.

سپس در سال‌های بعد دبستان‌های دیگر به‌تدریج در دزفول دایر شد. آقای محمودزاده می‌نویسد: «در سال ۱۳۰۲ شمسی تعدادی از دانش‌آموزان دبستان احمدی با مساعدت سید عبدالحسین قطب و سید عبدالحسین غفوری دبستان ملی را افتتاح کردند که بعد از یک سال با ورود سربازان دولتی و سرکشی آن‌ها از دبستان‌ها، به دبستان پهلوی تغییر نام یافت، ولی هنوز درآمد مدرسه وابسته به شهریه دانش‌آموزان بود، تا اینکه با تلاش سرهنگ عبدالعلی اعتمادمقدم، کسری حقوق کارمندان از محل درآمد گمرکی تأمین شد و وضع مدرسه بهتر شد و نام دبستان احمدی هم در سال ۱۳۰۵ به سپه تبدیل شد» (محمودزاده، ۱۳۸۱: ۳۰-۳۱).

از دیگر شهرهایی که هم‌زمان با شوشتر و دزفول (با اندک اختلاف زمانی) دست به تأسیس مدرسه جدید زدند، می‌توان به رامهرمز، مسجدسلیمان، هفت‌کل، بهبهان، اهواز، آبادان و خرمشهر اشاره کرد که هر کدام در جای خود توضیح داده خواهد شد. یکی از منابع مهم و دست اول در مورد پیشینه آموزش و پرورش نوین در خوزستان، «راپرت ۳۵ ماهه میرزاحسین خان امید»، اولین رئیس اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه خوزستان است. این کتاب یا گزارش، تاریخچه‌ای از مدارس موجود در استان خوزستان را تا پیش از شهریور ۱۳۰۴ آغاز و سپس گزارش خود را با شرح اوضاع آموزش و پرورش خوزستان از شهریور ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ شمسی به پایان می‌رساند. این گزارش بیان می‌کند: «در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهرهای دزفول و شوشتر دو دبستان دولتی باز شد و اشخاصی مانند آقای فخر داعی‌گیلانی و دیده‌بان، با عنوان رئیس معارف، به شوشتر که مرکز استان بود آمدند، ولی به دلیل موانع فراوان، حوزه فرهنگی از دو شهر مزبور تجاوز نکرد» (راپرت ۳۵ ماهه... همان، ص ۲- سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۲۳- ۲۴: ۵-۶) پس از ورود رضاخان به خوزستان و تسلیم شیخ خزعل، آقای حسین امید از سال ۱۳۰۴ شمسی به ریاست فرهنگ خوزستان منصوب شد و برای اولین بار اداره فرهنگ خوزستان را تشکیل داد و سازمان آموزشگاه‌ها را طبق برنامه وزارت فرهنگ تهیه کرد.

سالنامه فرهنگ خوزستان در سال ۲۲-۱۳۲۱ روند شکل‌گیری آموزش و پرورش خوزستان را بیان می‌کند و می‌نویسد: «در سال ۱۳۳۱ هجری قمری، یعنی زمانی که دبستان خزعلیه در خرمشهر و دبستان‌های چاسبیه و حمیدیه در اهواز دایر شده بودند، مدیران مدارس از توجه نکردن رؤسا و فرمانداران به امور فرهنگ و مدارس به ستوه آمده و با وزرای فرهنگ مکاتبه را آغاز کردند و اولیای امور را هر چند ماه یک‌بار با گزارش‌های جامع از اوضاع چاسبیه و خزعلیه مستحضر ساختند و به هزینه خود دبیران مجرب و دیپلمه طلبیدند تا شاید پیشرفتی در امور فرهنگ و مسئله آموزش و پرورش به حصول پیوند. آخرالامر از طرف وزارت فرهنگ، آقای فخرالمحققین (فخر داعی‌گیلانی) به ریاست فرهنگ خوزستان فرستاده شد. آقای فخر داعی به خرمشهر رسید و به راهنمایی آقای خسرو مؤدب شروع به کار کرد.

□ مدارس خوزستان تا پیش از ۱۳۰۴ خورشیدی

تا پیش از شهریور ۱۳۰۴ که میرزاحسین خان امید به ریاست آموزش و پرورش خوزستان منصوب شد، تشکیلات اداری چندان وسیع و مطلوب نبودند. اداره شامل یک نفر رئیس، یک نفر دفتردار و یک نفر مستخدم بود. در ضمن، رئیس اداره، مدیر مدرسه نیز بود. محل اداره کل استان در شوشتر مستقر بود. مدارس با کمک‌ها و عوارضی که از تجار بزرگ دریافت می‌شد، اداره می‌شدند. در این دوران، افرادی بودند که در راه تأسیس و کمک به مؤسسات فرهنگی زحمات زیادی متحمل شدند. تا پیش از تاریخ ذکرشده، مدارس مستقر

در خوزستان به این شرح بودند:

● **مدرسه خزعلیه خرمشهر (منسوب به شیخ خزعل):** در شهریور سال ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۸ شمسی، به مساعدت آقای میرزا حسین خان کارگزار (اعتلاءالدوله) و حاج محمدعلی بهیسانی (رئیس‌التجار) و عده‌ای از بازرگانان خیراندیش تأسیس شد. اولین مدیر آن حاج میرزا آقا بود. این مدرسه از سال ۱۳۰۴ شمسی به مدرسه شرافت خرمشهر تغییر نام یافت. بودجه این مدرسه از محل عوارض مال‌التجاره که به وسیله گمرک جمع‌آوری می‌شد، تأمین می‌گردید. علاوه بر آن، کمک «شرکت نفت انگلیس و ایران» و شهریه داخلی نیز منابع مالی این مدرسه بودند. مدیر مدرسه آقا شیخ احمد و حسابداری آن به عهده کمیسیون (گروهی) بود که آقای حاج عبدالنبی رئیس آن بود. (رپرت ۳۵ ماهه: ۵).

● **مدرسه ابتدایی چاسبیه (منسوب به شیخ چاسب، فرزند ارشد شیخ خزعل):** این مدرسه در سال ۱۲۸۸ شمسی به مساعدت حاج سید حسین شوشتری، میرزا عبدالحسین دهدشتی، حاج عبدالحسین هویزی، حاج ناظم بوشهری (ناظم‌الملک)، حاج فتح‌الله فتحی، احمد عجم و تعدادی دیگر از بزرگان و فرهنگ‌دستان، در اهواز، ضلع جنوب شرقی فلکه شهدا (ششم بهمن یا مجسمه سابق) تأسیس شد و مخارج آن از طریق عوارضی که بر مال‌التجاره‌ها بسته شد و نیز شهریه داخلی و سایر کمک‌ها تأمین می‌شد. ریاست این مدرسه بر عهده میرزا ابوالقاسم خان محمودی، رئیس گمرک و مدیریت آن بر عهده میرزا احمد مؤدب (برادر خسرو مؤدب) بود. آموزگارش عبارت بودند از آقایان: میرزا عبدالعلی، شیخ حیدر، میرزا کمال مجلسی، میرزا علی‌اکبر هندی و میرزا حسن روحانی.

در سال ۱۲۹۱ شمسی در اثر توصیه و پیشنهاد مرحوم مؤدب و پیگیری سران قوم، عوارضی بر کالاهای تجاری به نام عوارض معارفی وضع شد که به وسیله اداره گمرک محل وصول می‌شد. به‌طور کلی، ماهانه نزدیک به ۷۰ تومان اعم از کمک خیراندیشان و عوارض معارفی برای این مدرسه جمع‌آوری می‌شد. این مدرسه در سال ۱۳۰۳ به مدرسه دانش پهلوی تغییر نام یافت (همان، ص ۴ - تاریخ کهن مردان خوزستان، ۱۳۵۶: ۲۰). سالنامه فرهنگ خوزستان ۲۲-۱۳۲۱ در این مورد چنین آورده است: «... پس از تأسیس دبستان چاسبیه، با تصویب هیئت تجار مقرر گردید که از هر عدل مال‌التجاره، یک شاهی به‌عنوان اعانه معارف دریافت دارند» (سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۲۱-۲۲: ۱۹).

● **مدرسه حمیدیه اهواز (منسوب به شیخ عبدالحمید، پسر دوم شیخ خزعل):** سالنامه فرهنگ خوزستان در سال ۲۲-۱۳۲۱ چگونگی تأسیس این دبستان را به این شرح بیان می‌کند: «از زمانی که شیخ چاسب‌خان، فرزند شیخ خزعل، از حکومت اهواز به

خرمشهر رفت و جای خود را به برادرش شیخ عبدالحمید داد، دبستان دیگری به نام حمیدیه در اهواز تأسیس گردید، ولی کارش رونق زیادی در برابر دبستان چاسبیه نداشت. پس از چندی، شرکت نفت درصدد برآمد که چند دبستان در نقاط نفت خیز خوزستان تأسیس نماید. این بود که نخست مدرسه حمیدیه را به نام دبستان خیام نام گذاری کرد و با بودجه و هزینه خود اداره نمود و ساختمان کنونی دبیرستان شاپور را برای این دبستان ساخت...» (همان، ص ۱۹).

● **مدرسه منتظمیه منظمیه رامهرمز:** این مدرسه در سال ۱۲۸۹ با کمک مادی و معنوی خان‌های بختیاری تأسیس شد و برای مدتی، به دلیل قطع کمک‌های آنان، رو به ضعف و انحلال گذاشت. در سال ۱۳۰۳ پس از ورود رضاخان به خوزستان، در اثر توجه سرهنگ مصطفی خان، فرمانده لشکر خوزستان، و همکاری نایب حاج اسدالله خان زندی، عوارضی بر دکان‌های شهر و بعضی مناطق دیگر بسته شد و این درآمد در اختیار مدرسه قرار گرفت. مدیریت این مدرسه بر عهده میرزا اسدالله خان بود. بعدها این مدرسه به نام «مدرسه پهلوی» تغییر یافت.

● **مدرسه احمدیه آبادان:** در سال ۱۲۹۹ با کمک آقامیرزا محمد دشتی و تعدادی افراد دیگر تأسیس شد و در سال ۱۳۰۴ به مدرسه پهلوی آبادان تغییر نام داد. مکان مدرسه بسیار نامناسب بود. به همین دلیل، از سال ۱۳۰۲ محل جدیدی برای مدرسه ساخته شد و جنب آن شش باب مغازه برای درآمدزایی مدرسه تأسیس شد. درآمد این مدرسه از راه عوارض گمرکی، شهریه داخلی و کرایه مغازه‌ها تأمین می‌شد. اختیارات مدرسه بر عهده رئیس گمرک آبادان و میرزا آقاخان امیریان، مدیر مدرسه، بود که با همکاری یکدیگر مدرسه را اداره می‌کردند.

● **مدرسه پهلوی دزفول:** سابقاً موسوم به محمودیه بود و در ۱۳۰۳ شمسی با همکاری فرماندهان نظامی، عوارضی بر کالاهای تجاری بسته شد و به مصرف مدرسه رسید. امور محاسباتی این مدرسه خیلی درست نبود و هر بار که می‌خواستند حساب‌ها را واریس کنند تا حقوق عقب‌مانده معلمان را پرداخت کنند، موفق نشده بودند. مدیر مدرسه آقا سیدعبدالحسین بود، ولی امورات مدرسه را میرزا الطفالله، ناظم مدرسه، انجام می‌داد (رپرت ۳۵ ماهه، ۱۳۰۷: ۷-۸).

● **مدرسه سپه شوشتر:** در سال ۱۳۰۳ شمسی به سعی سرهنگ محمدعلی خان بلوچ و یاور اسدالله خان خلعت‌بری تأسیس و عوارضی که بر صادرات و واردات شهری بسته شد و به وسیله مأموران موظف کمیسیون (گروه) مخصوص مدرسه جمع‌آوری می‌شد، بودجه آن را تأمین می‌نمود (همان، ص ۸).

● **مدرسه ناموس (اهواز) ناصری:** در اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی به‌دستور و مساعدت سرتیپ فضل‌الله زاهدی و با کوشش و نمایندگی میرزا ابوالقاسم خان محمودی، رئیس گمرک ناصری، و ریاست خانم حیات‌زاده، مدرسه (بنات) دخترانه به نام «ناموس» تأسیس شد و مخارج آن از محل درآمدهای جمع‌آوری‌شده در آغاز تأسیس و مبلغی از درآمدهای مستمر شهرداری و شهریه داخلی تأمین می‌شد. این مدرسه در دههٔ چهل شمسی به نام ششم بهمن تغییر نام داد (خاطرات کهن مردان خوزستان، ۱۳۵۶: ۲۱).

سالنامهٔ فرهنگ خوزستان در سال ۱۳۲۱-۲۲ دربارهٔ دایرشدن دبستان بنات می‌نویسد: تأسیس دبستان بنات، به مدیری بانو آزادی، زوجهٔ مرحوم میرزا محمد حسین بیضاوی، همشیرهٔ آزادی شیرازی، نمایندهٔ فارس، جمع‌آوری نماید. بدین ترتیب یک دبستان دخترانه نیز دایر شد» (سالنامهٔ فرهنگ خوزستان، ۱۳۲۱-۲۲: ۲۰). این مدرسه احتمالاً در یک دوره تعطیل شد و بار دیگر در مهر ۱۳۳۲ راه‌اندازی شد. در همین سال مدیریت آن بر عهدهٔ خانم صدرائی بود.

■ وضعیت آموزش و پرورش نوین خوزستان از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰

زمانی که آقای امید در ۱۳۰۴ شمسی به‌عنوان مدیر ادارهٔ معارف (آموزش و پرورش) خوزستان منصوب می‌شود و محل اداره از شوشتر به اهواز منتقل می‌شود، بسیاری از دست‌اندرکاران و مؤسسان و مدیران مدارس توجهی به‌دستورات وزارتی نداشتند. بنابراین، تدبیری لازم بود تا آن‌ها را تابع دستورات کنند. بنا به گفتهٔ آقای امید: «... کوتاه‌ترین و مؤثرترین راه برای اینکه ادارهٔ معارف بتواند دستورات خود را اجرا کند، این بود که ثابت کند امضای رئیس معارف در پرداخت حقوق آن‌ها دخالت دارد» (رپرت ۳۵ ماهه: ۲۰-۲۱). رئیس معارف وقت، ابتدا با رئیس گمرک اهواز وارد مذاکره شد و وی را با خود همراه کرد. این همراهی و مساعدت باعث شد کارگزاران مدارس اهواز از وی اطاعت کنند. پس از آقای امید، آقای صادقی‌نژاد (امیر منتخب) به ریاست فرهنگ خوزستان منصوب شد. ایشان تعلیمات اکابر (بزرگسالان) و افتتاح کلاس‌های شبانهٔ سالمندان را بنیان نهادند. آقای محمد ملک‌زاده، پس از آقای صادقی‌نژاد، ریاست فرهنگ خوزستان را به‌عهده گرفتند. در زمان ایشان، کارهای قبلی پیگیری شد و در راه ایجاد دبستان در نقاط مختلف استان گام‌هایی برداشته شد.

فکر ایجاد و افتتاح دانش‌سرای مقدماتی در زمان ریاست آقای نعمت‌الله دبیرسیاقی پیدا شد و هنگام تصدی ایشان کارهای مقدماتی برای ساختن عمارتی بدین منظور شروع شد. پس از آقای دبیرسیاقی، در سال ۱۳۱۵ آقای علی‌اکبر مهران به ریاست فرهنگ خوزستان رسید. در زمان ریاست ایشان امور ادارهٔ فرهنگ انتظام خاصی داشت و کارها با نظم و ترتیب خوبی پیش می‌رفت. بعد از آقای مهران، آقای غلامحسین فرخزاد در تاریخ

چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ به ریاست اداره فرهنگ خوزستان رسید. ایشان مدتی دبیر و رئیس دبیرستان شاپور و رئیس دانش‌سرای مقدماتی پسران بودند. آقای فرخزاد تا شهریور ۱۳۲۱ در این سمت باقی بودند.



← عمارت دبیرستان شاپور
اولین دبیرستان اهواز

آماری که در خرداد سال تحصیلی ۱۳۰۵ از تعلیمات دولتی تهیه شده، وضعیت مدارس خوزستان را این‌گونه بررسی کرده است: «خوزستان دارای هفت مدرسه شش‌ساله ابتدایی با ۸۲۹ نفر دانش‌آموز و هشت نفر فارغ‌التحصیل و ۳ باب مدرسه ۴ ساله پسرانه با ۱۴۳ نفر دانش‌آموز بوده است» (فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۳۰۵: ۵۴۶).

آماری که در سال ۱۳۰۶ از وضعیت تعلیم و تربیت ایران تهیه شده است، تعداد مدارس دولتی و دانش‌آموزان آن‌ها در خوزستان را در سال تحصیلی ۱۳۰۶-۱۳۰۵ به این شرح اعلام می‌دارد: «تعداد ۴ باب مدرسه ابتدایی دخترانه و ۱۸ باب پسرانه در خوزستان دایر بوده که تعداد ۲۳۵ نفر دانش‌آموز دختر و ۱۱۰۳ نفر دانش‌آموز پسر را در خود جای داده‌اند» (فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۳۰۶: ۵۴۶).

□ وضعیت آموزش و پرورش خوزستان از ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۰

در شهریور ۱۳۲۱ آقای رضا جعفری که در آن زمان رئیس فرهنگ مازندران بودند، به ریاست فرهنگ خوزستان منصوب شدند. در زمان مدیریت ایشان پیشرفت محسوسی در آموزش پدید آمد. بازرسی آموزگاه‌ها، به‌ویژه بازرسی فنی، در این دوره عملی شد و بالاخره آخرین یادگار ایشان، چاپ و انتشار اولین سالنامه فرهنگ خوزستان است که به سال ۱۳۲۱-۲۲ انجام گرفته است. آقای جعفری تا پایان سال تحصیلی ۲۳-۱۳۲۲ در همین مقام باقی بود. پس از آقای جعفری در شهریور ۱۳۲۳، آقای مهدی رهبر کسروی به ریاست

آموزش و پرورش استان ششم (خوزستان در تقسیم‌بندی وزارت کشور در آن دوران استان ششم نام داشت)، معین شدند. ایشان در زمان ریاست آقای امید، مدتی نماینده فرهنگ خرمشهر بود. بنابراین، از اوضاع آموزشی استان آگاهی نسبی داشته است.

→
کارکنان دبستان ملی
جعفری اهواز،



□ سازمان اداری و آموزشی اداره کل آموزش و پرورش خوزستان بین سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۰

در دهه بیست شمسی، خوزستان از نظر فرهنگی به چندین شهرستان تقسیم می‌شد و اداره‌های فرهنگ شهرستان‌ها به وسیله یک رئیس که نماینده نامیده می‌شد و هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی با وزارتخانه نداشت، مدیریت می‌شد. این رؤسای اداره‌ها زیر نظر رئیس فرهنگ استان کار می‌کردند. اداره کل در اهواز، مرکز استان، قرار داشت. رئیس اداره استان یا به عبارت امروزی مدیر کل، اختیار کلیه امور مربوط به آموزش و پرورش استان را بر عهده داشت و رؤسای اداره‌های شهرستان‌ها گزارش عملکرد حوزه خود را به مرکز استان ارسال می‌کردند. در سال تحصیلی ۲۴-۱۳۲۳ در حوزه‌های دزفول، دشت میشان، شوشتر، رامهرمز، مسجدسلیمان، هفت کل، بهبهان و هندیجان نمایندگی‌هایی تأسیس شده بودند. بعضی از این حوزه‌ها مانند شوشتر و دزفول از لحاظ مؤسسات فرهنگی قدمت بیشتری داشتند و برخی با پیشرفت صنایع، به خصوص نفت، رونق گرفته بودند. در سال تحصیلی ۲۶-۱۳۲۵ بودجه فرهنگ خوزستان با احتساب اوقاف مبلغ ۸/۷۴۷/۱۴۰ ریال و جمع دانش‌آموزان استان ۱۲۸۵۴ نفر، تعداد دبستان‌ها ۱۰۸ باب، دبیرستان ۸ باب و دانشسرا دو باب بوده است. تعلیمات اجباری در خوزستان از سال تحصیلی ۲۶-۱۳۲۵ اجرایی شد. در این راستا استان خوزستان به شش حوزه فرهنگی تقسیم و برای هر حوزه انجمن فرهنگی انتخاب شد.



↑ دانشسرای مقدماتی
مسجدسیمان - ۱۳۵۰

در بخش آموزشگاه‌ها باید گفت، اهواز به عنوان مرکز استان، در سال ۲۴-۱۳۲۳ یک کودکستان داشت که در آن بیش از ۳۰ کودک پرورش نمی‌یافتند. نام کودکستان «پرورش» بود و در سال ۱۳۱۶ تأسیس شده بود. مدیریت آن با خانم صفیه غفوری بود. برنامه هفتگی آن‌ها عبارت بود از: ورزش، بازی‌های متعدد، سرود و موسیقی، بافتن حصیر، شناختن اعداد، شناختن حروف الفبا و شناخت عکس حیوانات. در ضمن، این کودکان اشعار و حکایات شیرینی را در کلاس بازگو می‌کردند.

در بخش آموزش در دبستان، در آن سال‌ها مردم نسبت به تربیت اطفال خود توجه کافی نشان می‌دادند و جمعیت دانش‌آموزی رو به افزایش بود، ولی دبستان‌ها از لحاظ نوع ساختمان چندان مناسب نبودند. موضوع دیگری که در آن سال‌ها (اوایل دهه ۲۰) باعث مخاطراتی شده بود، شیوع بیماری تراخم بود که آمار نشان می‌داد نزدیک به ۹۵ درصد مردم خوزستان به آن مبتلا بودند. بنابراین مدارس باید توجه کافی به بهداشت دانش‌آموزان می‌کردند، ولی بودجه بهداشت مدارس کافی نبود.

□ آموزش و پرورش خوزستان از ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰

دو سال آغازین این دوره زمان ملی شدن نفت بود و خوزستان به شدت تحت تأثیر تحولات آن قرار داشت. از سال ۱۳۳۲ که آقای کوثری به عنوان مدیرکل وارد خوزستان

می‌شود، بودجه این اداره کل به صورت منظم پرداخت می‌شد و بر تعداد مدارس نیز افزوده شد. متأسفانه اسناد در مورد تحولات این دوره فراوان نیستند. نگارنده تنها به تعدادی سالنامه مربوط به برخی شهرهای خوزستان از جمله خرمشهر و دزفول دست یافت. در سال تحصیلی ۳۳-۱۳۳۲ بودجه فرهنگ اهواز ۱۴,۸۱۵,۵۱۲ ریال، رامهرمز ۲,۹۴۱,۱۳۰ ریال، شوشتر ۳,۲۵۰,۶۵۴ ریال، مسجدسلیمان ۶,۲۴۹,۱۶۸ ریال، دزفول ۵,۹۷۳,۸۶۰ ریال، هفت کل ۶۷۰/۴ ریال و دشت میشان ۳۰۰/۰۴۴ ریال بود (سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۳۳۲-۳۳: ۴۵).

پس از پشت سر گذاشتن دوران پرتنش اوایل دهه سی، با برنامه‌ریزی‌های درازمدت عمرانی، کشور و از جمله استان راهبردی خوزستان رو به توسعه نهاد. سپاهیان دانش در نقاط محروم کشور و از جمله روستاهای خوزستان، مشغول خدمت شدند. با نگاهی به آمار سرشماری سال ۱۳۳۵ و مقایسه آن با همان آمار در سال ۱۳۴۵ تأثیر حضور سپاهیان دانش در مناطق محروم به خوبی نشان داده می‌شود. در سال ۱۳۴۸ خانم اشرف مه‌بخت که پیش از آن دبیر زبان انگلیسی و مدت‌ها هم مدیر دبیرستان دخترانه «نظام وفا» بود، به مدیریت کلی خوزستان انتخاب شد. وی باید مقدمات ورود دانش‌آموزان نظام جدید را که از سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۴۵ آغاز شده بود، به دوره راهنمایی تحصیلی فراهم می‌کرد. در ارتباط با این نظام آموزشی و چگونگی رفع کمبود نیروی انسانی، اظهارات آقای فتح‌الله اسدزاده، پیشکسوت آموزش و پرورش خوزستان، در پی می‌آیند: «... از سال ۱۳۴۸ برای تأمین نیروی انسانی دوره راهنمایی تحصیلی شروع به گرفتن دانش‌جو معلم کردیم. اولین دوره این دانشجویان در سال ۱۳۵۰ فارغ‌التحصیل شدند و بین مدارس راهنمایی تقسیم گردیدند. از سال ۱۳۵۱ دیپلمه‌های داوطلب آزاد برای استخدام، در این مرکز پذیرش می‌شدند. هم‌زمان با این دو مرکز، دوره‌هایی در دانشسرا برگزار می‌شد. دانش‌آموزان از پایان سیکل اول وارد این مراکز می‌شدند و در پایان، دیپلم معلمی به آن‌ها داده می‌شد. مدیریت آموزش و پرورش استان برای اینکه بتوانند مدارس متناسب با رشته‌های جدید تحصیلی، به‌ویژه در دوره راهنمایی داشته باشند، شروع به ساخت تعدادی مدرسه راهنمایی در سطح اهواز و شهرهای استان نمودند. تعدادی از این مدارس راهنمایی که در دهه ۵۰ ساخته شد عبارت‌اند از: مدرسه راهنمایی دکتر معین در امانیه، با مدیریت آقای امینیان، مدرسه راهنمایی روشنگر در زیتون کارگری، مدرسه راهنمایی تخت جمشید در حصیرآباد، مدرسه راهنمایی دخترانه ارم در حصیرآباد، مدرسه راهنمایی ۲۵ شهریور در زیتون کارمندی، مدرسه راهنمایی استوار بابائیان در شوشتر، مدرسه راهنمایی داریوش در گتوند، مدرسه راهنمایی جندی‌شاپور دزفول، مدرسه راهنمایی کورش کبیر رامهرمز، مدرسه راهنمایی سالور آبادان، مدرسه راهنمایی خسرو هدایت آبادان، مدرسه راهنمایی فرخ‌رو پارسای دزفول و مدرسه راهنمایی کورش شوشتر» (اسدزاده، ۱۳۹۶، مصاحبه).



↑ دبیران مدرسه راهنمایی
داریوش - گتوند

از تحولات این دوره، تقسیم آموزش و پرورش اهواز در سال ۱۳۵۱ به دو ناحیه بود. ناحیه یک ابتدا در خیابان پودات در امانیه مستقر بود. ساختمان آن استیجاری و متعلق به شخصی به نام آقای عادل زاده بود. این ساختمان بعد از انتقال ناحیه یک به خیابان دز شرقی، در اختیار اداره سپاه دانش قرار گرفت. ناحیه دو در بدو تأسیس در باغ معین مستقر بود. در سال‌های بعد، این ناحیه ابتدا به زیتون کارمندی و پس از مدتی به پشت پل سیاه در ادامه خیابان سی متری منتقل شد.

□ مدارس اقلیت‌ها و مدارس خارجی

پیدایش نفت در خوزستان به مهاجرت افرادی از استان‌ها و حتی کشورهای مختلف به این استان منجر شد. در این میان، نقش مناطق نفت‌خیز و پالایشگاه آبادان بسیار پررنگ‌تر بود. به همین دلیل، از همان بدو پیدایش نفت و راه‌اندازی تأسیسات نفتی از جمله پالایشگاه بزرگ نفت آبادان، در برخی از شهرها، جمعیت خارجی‌ها افزایش یافت. از آنجا که این افراد و خانواده‌های آن‌ها معتقد به ادیانی بودند و در اینجا امکانات لازم را نیاز داشتند، آموزش و پرورش با همراهی و مساعدت شرکت نفت، اقدام به راه‌اندازی آموزشگاه‌هایی برای دانش‌افزایی آن‌ها کرد. البته اقلیت‌های دینی زرتشتی، مسیحی و کلیمی را که بومی خوزستان بودند هم باید به این جمعیت افزود. از آنجا که تمرکز این جمعیت بیشتر بر شهرهای نفت‌خیز بود، لذا شهرهای اهواز، آبادان و مسجدسلیمان بیشتر در این مورد درگیر بودند. یک نمونه آن دبستان ملی ادب ارامنه آبادان بود که از سال ۱۳۱۰ به‌طور غیررسمی

دایر بود و سرانجام در سال ۱۳۲۶ به رسمیت شناخته شد و زیر نظر اداره فرهنگ آبادان مشغول فعالیت بوده و در طول سال تحصیلی ۲۸-۱۳۲۷ تعداد ۲۳۶ دختر و ۱۶۴ پسر دانش‌آموز داشته است (سالنامه فرهنگ آبادان، ۱۳۲۶-۲۷: ۹).

در مسجد سلیمان از سال ۱۳۰۹ کودکستان غیردولتی مختلط ارامنه در مکانی جنب کلیسای نمره چهل آغاز به کار کرد. پس از آن، در خرداد ۱۳۱۴، میرزایانس، نماینده ارامنه در مجلس شورای ملی، درخواست تأسیس دبستان در مسجد سلیمان کرد که با توجه به سختگیری‌های رضاشاه نسبت به اقلیت‌ها، این کار صورت نگرفت (از سال ۱۳۱۵ تا شهریور ۱۳۲۰، به‌دستور پهلوی اول مدارس ارامنه تعطیل و مجوز آن‌ها باطل شد). در سال ۱۳۳۲ اونیگ ساهاکیان، دارای مدرک لیسانس حقوق و علوم سیاسی و کارمند شرکت نفت، موفق شد دبستان مهرداد ارامنه را در مسجد سلیمان افتتاح کند. در مرحله بعدی در سال ۱۳۴۱ شورای عالی فرهنگ مجوز تأسیس دبیرستان کامل پسرانه «مهرداد» را به آقای ساهاکیان داد. از آن پس ارامنه ساکن مسجد سلیمان دارای مجموعه‌ای از مدارس شدند (ز.ک: عباس شهینی، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۵).

در مسجد سلیمان مکانی به نام مدرسه خارجی‌ها نامیده می‌شود. سرگذشت این ساختمان بدین شرح است که در سال ۱۳۰۶ ساختمانی را که خوابگاه کارگران خارجی بود، با تغییراتی به آموزشگاه تبدیل کردند که توسط انگلیسی‌ها مورد استفاده قرار گرفت. عباس شهینی که تحقیقات دقیقی در این مورد انجام داده است، در کتاب خود می‌نویسد: «این آموزشگاه از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۵۷ فعال بوده است. البته در سال‌های بین ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ تحت تأثیر فضای سیاسی و تحولات ملی شدن نفت تعطیل شد. در این آموزشگاه روش‌های تدریس و کتاب‌های درسی همه بر مبنای نظام آموزشی کشور انگلیس بود. ... از سال ۱۳۴۰ به بعد، بچه‌های رؤسای صنعت نفت و رجال آن زمان، همراه با فرزندان کارکنان بیگانه، در این محل درس می‌خواندند... کادر آموزشی آن توسط شرکت نفت و از میان اتباع خارجی تأمین می‌شد» (همان، ص ۲۵-۲۶).

آموزشگاه خارجی دیگری در مسجد سلیمان معروف به مدرسه سیار هندی‌ها بود. با ورود انگلیسی‌ها و کشف و استخراج نفت، کارگران هندی نیز به آنجا وارد شدند. این جمعیت بیگانه نیز دارای مدارسی به سبک سنتی خودشان شدند که البته شبیه مکتب‌خانه‌های قدیمی ایرانی و خوزستانی بود. این مدارس ظاهراً تا سال‌های ملی شدن نفت برقرار بودند و با خروج نیروهای انگلیسی از ایران، این مدارس نیز برچیده شدند. در خرمشهر هم در سال ۱۳۳۹ شمسی، برابر با ۱۹۶۰ میلادی، یک باب مدرسه ابتدایی برای اطفال خارجی، تحت نظر خواهران زیتا، تأسیس شد. دبستان ارامنه اهواز یکی دیگر از مراکز آموزشی اقلیت‌های مذهبی است که در خیابان حافظ، بین خیابان طالقانی و پل سپاه، جنب کلیسای ارامنه، واقع بود و در سال‌های دهه شصت حدود ۱۵۰ نفر دانش‌آموز داشت. با مهاجرت تدریجی ارامنه از اهواز، این دبستان نیز تعطیل شد.

مبارزات فرهنگیان
منحصر به سال‌های
۵۶ و ۵۷ تنها نبود.
بلکه از سال‌ها قبل،
معلم‌ان انقلابی زیر
پوشش آموزش
دین و علوم انسانی،
کار خود را پیش
می‌بردند

آموزش و پرورش خوزستان و انقلاب اسلامی

به دنبال اوج‌گیری انقلاب اسلامی و گسترش آن تا شهریور ۱۳۵۷، حوادث مهمی اتفاق افتادند. از جمله این حوادث، اعتصاب اداره‌ها و شرکت‌های دولتی بود. از تابستان ۵۷ برنامه‌ریزی‌هایی برای اعتصاب و به‌تعطیلی کشیدن مدارس در سال تحصیلی جدید توسط انقلابیون تهیه شد. این موضوع در همه استان‌ها مدنظر رهبر و گردانندگان انقلاب اسلامی قرار گرفت. در خوزستان نیز افرادی این جریان را دامن زدند و مدیریت و هدایت می‌کردند... یکی از این اشخاص، حاج مجید شالباف بود که خود از فرهنگیان انقلابی محسوب می‌شد. خاطرات وی در کتاب «انقلاب اسلامی در اهواز» به نگارش درآمده است. یکی دیگر از افرادی که در اعتصابات فرهنگیان در سال ۱۳۵۷ حضور داشته، خانم کبری سام‌آرام است. ایشان در بیان خاطرات خود می‌گوید: در سال ۱۳۵۷، مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی، در کوت عبدالله، که یکی از مناطق محروم اهواز بود، تدریس می‌کردم. فکر می‌کنم اولین شکل مبارزاتی فرهنگیان پا به پای سایر کارمندان دولت و ادارات مختلف همان اعتصاب بود. دعوت به اعتصاب از طریق اعلامیه صورت می‌گرفت و من از طریق این اعلامیه‌ها که از سوی چند تن از همکاران مذهبی ما توزیع می‌شد، متوجه شدم که باید اعتصاب‌هایی در پیش باشد. پس از توزیع اعلامیه‌های دعوت به اعتصاب، که حدود اواسط یا اواخر مهرماه بود، من دیدم که بعضی از همکاران در انجام اعتصاب تردید دارند و نوعی نگرانی و ترس در آن‌ها وجود دارد. تصمیم گرفتم با آن‌ها صحبت کنم. این بود که یکی‌یکی به سر کلاس‌های آن‌ها رفتم و از آن‌ها خواستم که همگام با سایر همکاران فرهنگی و آموزشی و پرورشی خود، اعتصاب خود را آغاز کنند. این اولین حرکت و جرقه کار بود که برای اعتصاب زده شد. خانم سام‌آرام در مورد خطوط سیاسی و جریانات حزبی در روند حوادث مربوط به انقلاب اسلامی و نقش آن‌ها در حزبی کردن و انحصاری کردن انقلاب اسلامی چنین می‌گوید: «من به خاطر ندارم که گروه و قشر خاصی در انقلاب اسلامی خواسته باشند برنامه جدا و خاصی داشته باشند، ... تظاهرات فرهنگیان تقریباً همه‌روزه بود و یکی از کانون‌هایی که دعوت به تظاهرات می‌کرد، مسجد آیت‌الله بهبهانی بود و یکی از مراکز تجمع، مدرسه علمیه آیت‌الله بهبهانی بود که در کنار مسجد بهبهانی قرار داشت» (علم، انقلاب اسلامی در اهواز، ۱۳۸۶: ۲۶۷-۸).

مبارزات فرهنگیان منحصر به سال‌های ۵۶ و ۵۷ تنها نبود. بلکه از سال‌ها قبل، معلم‌ان انقلابی با دین و علوم انسانی، کار خود را پیش می‌بردند. به‌طورمثال، آقای اسماعیل کروشوی ذکر می‌کند که در تمام طول دوره تحصیل، به‌ویژه دوره دبیرستان، معلمانی بودند که روی شخصیتش تأثیر مثبت گذاشتند و او را به سمت و سوی انقلابی‌گری سوق دادند. ارسال مجلاتی مانند مکتب اسلام از قم، انتشار کتاب‌های دکتر شریعتی در سطح دبیرستان‌ها، برگزاری کنفرانس‌های دینی در کلاس‌های درس و همچنین تشکیل انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی، راه‌هایی بودند برای مبارزه معلم‌ان و تربیت نیروهای انقلابی از میان

فعالیت‌های
آموزشی و پرورشی
در استان خوزستان
بعد از انقلاب اسلامی
تاکنون چه از نظر
کمی و کیفی توسعه
و تحولات وسیعی
یافته است

دانش‌آموزان. در همین راستا، یکی دیگر از مبارزان پیش از انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۵۱ دانشجوی مرکز تربیت معلم راهنمایی بود و بعدها هم به آموزش و پرورش وارد شد، خاطراتی را نقل می‌کند که خلاصه‌ای از آن در اینجا می‌آید. آقای عبدالکاسم علی‌نژاد، پیش‌کسوت آموزش و پرورش، نقل می‌کند: «در اسفندماه سال ۱۳۵۱ به مناسبت سالگرد تولد رضاشاه، اعتصاب دانشجویان مرکز را با کمک دو تن از دوستان به نام‌های فروزنده [بعد از انقلاب اسلامی مدتی استاندار خوزستان بودند] و ترتیفی‌زاده مدیریت کردیم که تا مدت‌ها عواقب آن گریبان‌گیرم بود و بارها به ساواک احضار و بازجویی شدم. مدتی هم از مرکز اخراج شدم، تا بالأخره با سپردن تعهد مبنی بر عدم فعالیت علیه منافع کشور، به درس و تحصیل خود بازگشتم» (علی‌نژاد، ۱۳۹۴، مصاحبه) بالأخره انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و مدارس از اول اسفندماه ۱۳۵۷ بار دیگر بازگشایی شدند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آقای سیدمحمد کیاوش که خود از انقلابیون و معلمان شهرستان آبادان بود، به مدیریت اداره کل استان خوزستان منصوب شد.

نتیجه

چنانچه از بررسی منابع و توضیحات متن بر می‌آید، آموزش و پرورش در خوزستان، همان طوری که از قدمت بالایی برخوردار است، از گستردگی و کیفیت و تنوع هم برخوردار بوده است. نکته قابل تأمل دیگر این است که به نظر می‌رسد استان خوزستان در طول این مدت برای حاکمیت و نظام سیاسی وقت همیشه حساسیت فراوان داشته است. حضور مدیران و آموزگاران توانمند در مجموعه‌های آموزشی و اداری نشانگر این حساسیت است. موضوع دیگر اینکه رشد علمی و آموزشی و استعدادی که در این استان نهفته بود، در طول این مدت خودش را نشان داد. تربیت افرادی که بعدها هر کدام سرآمد رشته‌های علمی کشور شدند، این موضوع را تأیید می‌کند. بزرگانی چون دانشمند (پروفیسور) کرم‌زاده، استاد ریاضی، قیصر امین‌پور و احمد محمود در حوزه ادبیات و شعر، عزت‌الله نگهبان، پدر باستان‌شناسی ایران، بهرام عکاشه، پدر علم ژنتیک ایران، دکتر کلانتر هرمزی، پزشک پژوهشگر و مکتشف، و ده‌ها فرد دیگر بازخورد این نظام پویا در استان هستند. شایان ذکر است که فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در استان خوزستان بعد از انقلاب اسلامی تا کنون چه از نظر کمی و کیفی توسعه و تحولات وسیعی یافته است که در مقاله‌ای دیگر ارائه خواهد شد.

منابع

۱. تاریخ کهن مردان خوزستان (۲۵۳۶ شاهنشاهی، برابر با ۱۳۵۶ خورشیدی). گروه تحقیقاتی. انتشارات دانشگاه جندی شاپور. نشریه شماره ۱۰۸.
۲. راپرت ۳۵ ماهه معارف خوزستان (از ۱ شهریورماه ۱۳۰۴ تا آخر تیرماه ۱۳۰۷). دوره تصدی میرزا حسین خان امید، عضو سابق وزارت جلیله معارف و اوقاف. مطبوعه شوش محمره، شعبه مطبوعه خوزستان ناصری، مطبوعه فردوسی. تهران.
۳. سالنامه فرهنگ خوزستان، سال تحصیلی ۲۲-۱۳۲۱، اولین نشریه انجمن سالنامه فرهنگ خوزستان. چاپخانه فردوسی.
۴. سالنامه فرهنگ خوزستان. سال تحصیلی ۲۴-۱۳۲۳. دومین نشریه انجمن سالنامه فرهنگ خوزستان. شرکت چاپخانه تابان.
۵. سالنامه فرهنگ خوزستان. سال تحصیلی ۲۵-۱۳۲۴. سومین نشریه انجمن سالنامه فرهنگ خوزستان. چاپخانه تابان تهران.
۶. سالنامه فرهنگ خوزستان. سال تحصیلی ۲۶-۱۳۲۵. مقدمه علی پورمند. شرکت سهامی چاپ.
۷. سالنامه فرهنگ خوزستان. سال تحصیلی ۳۳-۱۳۳۲. تنظیم ابوالحسن فیاضی و ایرج جهانشاهی. چاپخانه کویان. تهران.
۸. سالنامه فرهنگی آبادان. سال تحصیلی ۲۸-۱۳۲۷. نشریه دومین انجمن سالنامه دبیرستان رازی، به سرپرستی مهدی غروی.
۹. سلطانزاده، حسین (۱۳۶۴). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون. انتشارات آگاه. تهران. چاپ اول.
۱۰. شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۳). تعلیم و تربیت و مراحل آن. انتشارات آستان قدس رضوی. تهران. چاپ اول.
۱۱. صدیق، عیسی (بی تا). تاریخ فرهنگ ایران. انتشارات..... چاپ.....
۱۲. ضمیری، محمدعلی (۱۳۷۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام. نشر راهگشا. شیراز. چاپ چهارم.
۱۳. عباس شهتی، دانش (۱۳۹۳). تاریخ آموزش و پرورش مسجدسلیمان. انتشارات سیب کال. تهران. چاپ اول.
۱۴. علم، محمدرضا (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی در اهواز. جلد دوم. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران. چاپ یکم.
۱۵. ماهنامه تعلیم و تربیت. دوره اول، دی ماه ۱۳۰۵، شماره ۲۲. احصائیه تعلیمات دولتی در آخر سال تحصیلی.
۱۶. ماهنامه تعلیم و تربیت، سال سوم، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن - اسفند ۱۳۰۶. احصائیه مدارس و محصلین مدارس دولتی ایران در سال تحصیلی ۱۳۰۶-۱۳۰۵.
۱۷. محسنی، سید حسن. تاریخچه‌ای از آموزش و پرورش و نخستین مدارس استان خوزستان. ماهنامه رشد معلم. دوره بیستم.
۱۸. محمودزاده، عظیم (۱۳۸۱). تاریخچه آموزش و پرورش دزفول (کاری از امور تربیتی شهرستان دزفول). انتشارات افهام. دزفول. چاپ اول.